



## پژوهشی گسترده

پژوهشی گسترده  
در معانی و  
مفاهیم اصطلاحی  
و فقهی «حج»  
«قسمت چهارم»

### اشاره

خواننده گرامی! همانطور که توجه دارید، ما به مقتضای عنوانی که برای بحث خود برگزیده‌ایم، هر یک از واژه‌ها و اصطلاحات فقهی «حج» را از ابعاد گونه‌گون، مورد توجه قرار داده و سپس احکام شرعی و اسرار هر یک از مفاهیم مزبور را در شکل گسترده‌ای بررسی خواهیم کرد...

اینک قسمت چهارم بحث مربوط به «احرام» تقدیم می‌گردد.

علی حجتی کرمانی

\* \* \*

... چه زیباست وحدت ریشه‌ای واژه «حرم» (منطقه صلح کامل، امنیت کامل، دوستی و تعاون کامل) با واژه «احرام»! که نبی اکرم - ص - فرمود: «وجب الإحرام لعلة الحرم»<sup>۱</sup>.

و آیا نمی‌توان از سخن درخشان رسول خدا - ص -، این تعبیر ظریف و دقیق را استفاد نمود که در حقیقت «احرام» انعکاسی از «حرم» امن الهی در دل و جان «مُحرم» است؟ یعنی «حاج که احرام می‌بندد گویا «حرم امن الهی» را در «وجود خدا» بوجود می‌آورد و منطقه وجود خودش را منطقه ممنوعه و منطقه صلح و آرامش، و امن و امان اعلام می‌دارد! مگر نه این است که پس از احرام ۲۴ چیز بر حاجی حرام می‌شود»<sup>۲</sup>:

### ۱ - شکار حیوان صحرائی

«... لَا تَقْتُلُوا الصَّيْدَ وَأَنْتُمْ حُرْمٌ»<sup>۳</sup>؛ «... در حالی که محرم هستید صید مکنید (شکار مکنید)».

«... وَ حُرْمٌ عَلَيْكُمْ صَيْدُ الْبَرِّ مَا دُمْتُمْ حُرْمًا»<sup>۴</sup> «... و شکار بیابانی تا زمانی که محرم هستید بر شما حرام است».

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَيَبْلُوَنَّكُمْ اللَّهُ بِشَيْءٍ مِّنَ الصَّيْدِ تَنَالُهُ أَيْدِيكُمْ وَرِمَا حُكْمٌ...»<sup>۵</sup>؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خدا شما را به چیزی از صید بیازماید که دستها و نیزه‌های شما بدان می‌رسد».

در احادیث فراوانی در باب «تروک احرام» آمده است:

برای محرم هرگونه شکار صحرائی حرام است<sup>۶</sup> و نیز خوردن گوشت شکار برای

۱ - وسایل الشیعه، ج ۹، ص ۳.

۲ - فصلنامه میقات حج، شماره ۱، مقاله «نگرشی کوتاه به تبیین حج»، محمد جواد خجنتی کرمانی، ص ۹۸.

۳ - مانده: ۹۵. در تفسیر میبیدی آمده است: این آیت در شأن ابویسیر آمد که در سال حدیبیه محرم بود. به خرگوری رسید، او را ضربتی زد و افکند. این آیت فرود آمد که صید را مکشید در حالی که احرام بسته‌اید.

۴ - مانده: ۹۶.

۵ - مانده: ۹۴.

۶ - یحرم علی المحرم کل شیء من صید البر... (ر. کد به «وسایل الشیعه»، ج ۹، ابواب تروک الاحرام، ص ۷۴).

محرم حرام می‌باشد، هرچند غیر محرم (مُحَل) آن را صید کرده و گوشت آن را به وی اهدا کرده باشد.<sup>۷</sup> و نیز آمده است که برای مُحَرَّم جایز نیست کشتن ملخ. و حتی شکنجه و آزار حیوان نیز برای وی سزاوار نمی‌باشد.<sup>۸</sup>

شیخ الطائفه (شیخ طوسی) در کتاب خود در باره حرمت شکار اینچنین فتوا

می‌دهد:

«برای انسان (محرم) شکار جایز نیست و نیز اشاره و راهنمایی به آن، و نیز نمی‌تواند گوشت صیدی را که دیگری شکار کرده است، بخورد. و همچنین برای وی جایز نیست که شکار ذبح کند و اگر چنین کند، گوشت شکار، میته خواهد بود و برای احدی خوردن آن روا نمی‌باشد».<sup>۹</sup>

البته شکار حیوان دریایی و خوردن آن برای محرم حلال است.

در قرآن کریم تصریح شده است: «أَحَلَّ لَكُمْ صَيْدَ الْبَحْرِ وَ طَعَامَهُ مَتَاعاً لَكُمْ وَ لِلسَّيَارَةِ»<sup>۱۰</sup>: «بر شما شکار دریایی و خوردن آن حلال شده است، (آن) بر شما و راهگذران توشه‌ای است...»

شیخ مفید (م ۴۱۳ هـ. ق) نیز با استناد به آیه شریفه ۹۶ سوره مائده فتوا می‌دهد:

«و صید البرّ محرم فی الاحرام...»<sup>۱۱</sup>

## ۲ - آمیزش با زنان، بوسیدن آنان و لمس کردن از روی شهوت

جماع به دلیل آیه شریفه: «فَمَنْ فَرَضَ فِيهِنَّ فَلَا رَفْتَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي

۷ - و يحرم عليه ان يأكل مّا صاده غيره وان اهداه مُحَل... (وسایل الشیعه، ج ۹، باب ۲ از ابواب ترک الاحرام، ص ۷۷).

۸ - و لیس المحرم ان یاکل الجراد ولا یقتله... (وسایل الشیعه، ج ۹، باب ۷، احادیث ۲ تا ۶، ص ۸۳). و لیس له ان یؤذی الصید و یعدّبه... (وسایل الشیعه، ج ۹، باب ۸، حدیث ۱، ص ۸۴).

۹ - و لایجوز للانسان الصید، و لا الإشارة الیه و لا اکل ما صاده غيره. و لا یجوز له ان یدبح شیئاً من الصید. فان ذبحه، کان میتاً و لم یجز لاحد اكله. (النهاية فی مجرد الفقه و الفتوی)، کتاب الحج، ص ۲۱۹ و ۲۲۰ - امام خمینی - ره - کشتن تمامی پرندگان حتی ملخ را در حکم شکار صحرائی دانسته و بنا بر احتیاط، کشتن زنبور و زنبور عسل را نیز برای محرم جایز نمی‌دانند (تحریر الوسیله، ج ۱، کتاب الحج، ص ۴۱۹).

۱۰ - مائده: ۹۶.

۱۱ - المقتنه، تألیف ابی عبدالله محمد بن النعمان العکبری البغدادی الملقّب بالشیخ المفید، مؤسسة النشر الاسلامی، ص ۴۳۲.

الحج...»<sup>۱۲</sup>؛ «و هرکس که به حج برود، با زن نزدیکی نکند و عمل زشت انجام ندهد و مجادله (و مناقشه) در حج نکند...»

در تفسیر عیاشی از معاویه بن عمار، از امام صادق - ع - روایت شده است که آن حضرت در تفسیر آیه شریفه فوق فرمودند: «رفت»؛ عبارت است از جماع و «فسوق»؛ عبارت است از دروغ گفتن و فحش و ناسزا دادن. و «جدال»؛ یعنی سوگند، بدین شکل که شخص بگوید: «لا والله» و «بلی والله» و نیز جدال عبارت است از مفاخره (و فخرفروشی و خود را از دیگران برتر و بالاتر دانستن).<sup>۱۳</sup>

و در کتاب تهذیب آمده است: علی بن جعفر می‌گوید: از بردارم امام موسی بن جعفر - علیه السلام - پرسیدم: مراد از الفاظ «رفت»، «فسوق» و «جدال» (در قرآن کریم) چیست؟ حضرت پاسخ فرمود: «رفت»؛ یعنی «جماع با زن». «فسوق»؛ یعنی «دروغ و مفاخره» (یا مفاجره) و «جدال»؛ یعنی انسان بدین صورت سوگند یاد کند: «لا والله» و «بلی والله».<sup>۱۴</sup>

شیخ مفید در باب «مواردی که محرم باید اجتناب کند»، می‌نویسد: «... فمن ذلك اجتناب النساء»<sup>۱۵</sup>.

و شیخ طوسی در باب محرمات احرام می‌گوید: حرام است بر مُحرم «رفت»؛ جماع و بوسیدن زنها و مباشرت با آنها و نیز لمس کردن جسم آنها از روی شهوت جایز نیست. بنابراین این لمس جسم زن بدون شهوت بلامانع می‌باشد.<sup>۱۶</sup> برخی از فقها علاوه بر مراتب بالا، نگاه کردن به زن و بطور کلی هرگونه لذت و تمتع از زن را برای محرم حرام می‌دانند.<sup>۱۷</sup>

۱۲ - بقره: ۱۹۷.

۱۳ - الحج فی الكتاب و السنة، مرکز الحج للدراسات و النشر، ص ۳۸۰؛ تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۹۵.

۱۴ - الرفث جماع النساء و الفسوق الکذب و المفاخره (والمفاجره - خ) و الجدل قول الرجل: «لا والله»، «بلی والله» (التهذیب، ج ۵، ص ۲۹۷).

۱۵ - المقنعه، ص ۴۳۲.

۱۶ - ... و یجرم علی المحرم الرفث و هو الجماع و تقبیل النساء و مباشرتهن و لایجوز له ملامسة شی من اجسادهن بالشهوة. و لا یأس بذلك من غیر شهوة. (النهاية فی مجرد الفقه و الفتوی، ص ۲۱۸).

۱۷ - النساء وطناً، و تقبیلاً و لمساً و نظراً ل الشهوة، بل کل لذة و تمتع منها. (ر.ک. به «تحریر الوسیله» امام خمینی - ره -،

مدارک فتوای فوق روایاتی است که در آنها تقبیل و مس و نظر به زن، مورد نهی قرار گرفته است.<sup>۱۸</sup> بدیهی است با تنقیح مناط، «هرگونه لذت و تمتع» نیز مشمول روایات مزبور خواهد بود.

### ۳- خواندن عقد از دواج برای خود یا غیر

شیخ صدوق در کتاب خود از محمد بن سنان، از امام صادق -ع- نقل کرده است که آن حضرت فرمود: «... ه ی از انصار در حالی که محرم بود تزویج کرد (زن گرفت)، رسول اکرم -ص- (به فوریت) نکاح وی را باطل فرمود.<sup>۱۹</sup> همین روایت را، ثقة الاسلام کلینی نیز آورده است.<sup>۲۰</sup>»

همچنین در کتاب «من لایحضره الفقیه» آمده است: امام جعفر صادق -ع- فرمود: برای محرم حرام است از دواج کردن و حتی اگر برای شخص غیر محرمی (مُحَلّی) هم عقد از دواج جاری سازد، آن عقد و از دواج باطل خواهد بود.<sup>۲۱</sup>»

و نیز در روایات آمده است که شخص محرم حتی نمی تواند در مجلسی که عقد از دواج خوانده می شود، شرکت جسته و شاهد بر آن باشد<sup>۲۲</sup> و اگر کسی که در حال احرام است، زنی را برای خود عقد کرد، در حالی که حکم مسأله را می داند آن زن برای همیشه بر او حرام خواهد بود. مگر این که جاهل به حکم بوده، که در این صورت عقد باطل است، ولی زن بطور دائم بر وی حرام نیست و آنگاه که از احرام خارج شد می تواند او را عقد کند.

محمد بن یعقوب کلینی از امام صادق -ع- روایت کرده است که آن حضرت فرمود: اگر مرد محرمی در حال احرام از دواج نمود، باید میان آنها برای همیشه جدایی

→ ج ۱، ص ۴۱۹.

۱۸- مانند: «من مس امرأته و هو محرم...» و یا «من نظر الی امرأته نظر شهوة...» و یا «ان قبل امرأته علی شهوة...» (ر.ک. به وسایل الشیعه، باب ۱۲ از ابواب تروک احرام، ج ۹، ص ۸۸).

۱۹- من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۲۳.

۲۰- ر.ک. فروع کافی، ج ۱، ص ۲۶۷.

۲۱- فروع کافی، ج ۱، ص ۱۲۳.

۲۲- ولیس للمحرم ان یشهد النکاح. (الفقه المأثور و الأصول المتلقاة، آیه الله المشکینی، دفتر نشر الیهادی، قم، ص ۱۹۳).

ایجاد گردد و تا ابد بر یکدیگر حرام می‌باشند.<sup>۲۳</sup>

امام مالک بن انس در باب «نکاح المحرم»، آورده است:

عمر فرزند عبیدالله به «أبان بن عثمان» که در آن هنگام «امیرالحاج» بود و هر دو محرم بودند، پیام فرستاد که من می‌خواهم با دختر «شَیْبَةَ بنِ جُبَیر» از دواج کنم و مایلیم تو نیز در مجلس عقد نکاح من حضور یابی. ابان وی را از چنین کاری (در حال احرام) بازداشت و گفت: من از «عثمان بن عفان» شنیدم که می‌گفت: رسول خدا - ص - فرمود:

«محرم نه می‌تواند برای خودش عقد از دواج منعقد سازد و نه برای دیگری،<sup>۲۴</sup> و نه

می‌تواند خطبه عقد از دواج بخواند».<sup>۲۵</sup>

فقیه نأور شیعه، علامه حلی در باب «محرمات و مکروهات احرام» این چنین فتوا

می‌دهد:

والنساء، وطناً و لمساً، و عقداً لنفسه و لغيره، و شهادة علی العقد و اقامة... و تقبلاً و

نظراً بشهوة...».<sup>۲۶</sup>

#### ۴ - استمناء:

از مجموعه احادیث و فتاوی اینطور استنباط می‌گردد که:

مُحرم اگر از روی عمد و قصد کاری بکند که از او منی خارج گردد، یکی از محرمات احرام را مرتکب شده و معصیت و نافرمانی پروردگار را انجام داده و کفاره هم بر وی تعلق می‌گیرد.

شیخ الفقها و امام المحققین شیخ محمد حسن نجفی، صاحب جواهر، در ذیل

۲۳- ان المحرم اذا تزوج و هو محرم فرق بينهما ثم لا يتعاودان ابداً... (ر.ک فروع کافی، ج ۱، ص ۲۶۷)

۲۴- چه ولایتاً و چه وکالتاً...

۲۵- ... لا ینکح المحرم، ولا ینکح، ولا ینخطب (الموطأ، لامام الائمة و عالم المدینه مالک بن انس، با مقدمه، تصحیح، تعلیقات و اخراج احادیث: محمد فؤاد عبدالباقی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۱۱ هـ. ق، ج ۱، ص ۳۴۸، حدیث ۶۹ و نیز: «ر.ک به «صحیح مسلم، کتاب النکاح، باب تحریم نکاح المحرم و کراهة خطبته، حدیث ۴۱.

۲۶- شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، المحقق الحلی...، دارالاضواء بیروت، تحقیق و اخراج و تعلیق عبدالحسین محمد علی، چاپ دوم، ج ۱ و ۲، ص ۲۴۹.

عبارت محقق که در باب «محرمات احرام» می نویسد: «... و کذا الإستمناء»، می گوید:<sup>۲۷</sup>  
 به دلیل صحیح ابن حجاج از امام صادق - ع - که در پاسخ این پرسش: «مرد  
 مُحرمی با زن خود ملاعبه می کند تا این که منی از او خارج می گردد، بدون این که جماع  
 تحقق یابد» فرمود: این عمل همانند جماع بوده (و حرام است) و بر وی کفاره تعلق  
 می گیرد.<sup>۲۸</sup>

و نیز خبر اسحاق بن عمار از ابوالحسن - ع - که از آن حضرت پرسید:  
 «حکم مرد مُحرمی که با آلت خویش بازی می کند تا منی از او خارج گردد، چیست؟  
 حضرت فرمود رأی من در باره وی همانند کسی است که با زن خود در حال احرام جماع  
 کند<sup>۲۹</sup> (یعنی هم فعل حرام انجام داده و نافرمانی خداوندگار را کرده و هم باید کفاره بدهد).  
 اساساً دقت در نصوص فتاوی فقها در ذیل «اجتناب از رفت»، اینطور مستفاد  
 می گردد که ایشان در مفهوم «رفت» توسعه داده و معنایی گسترده تر و اعم از «جماع»  
 برای آن قایل شده اند؛ مثلاً بنا به نقل «صاحب جواهر»، سید در «جمل» این چنین فتوا  
 می دهد:

«بر محرم واجب است که از «رفت» پرهیز کند، و رفت عبارت است از جماع و هر  
 علت و موجبی که باعث خروج منی گردد، از بوسیدن گرفته تا لمس و نگاه  
 شهوت آلود به زن...»<sup>۳۰</sup>

و همچنین «قاضی» در شرح «جمل» آورده است:

«واجب است بر محرم که جماع نکند و نیز استمنا ننماید، اعم از این که از طریق  
 ملامسه با زن و یا نگاه شهوت آلود به وی باشد، حتی برخی از فقها «لواط» و «وطی  
 حیوانات» را نیز داخل در «رفت» دانسته اند...

در «کشف اللثام» آمده است: «لواط» و «وطی بهائیم» داخل در مفهوم

۲۷ - جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، ج ۱۸، ص ۳۰۷. ناشر: دارالکتب الاسلامیه، تهران.

۲۸ - وسایل الشیعه، باب ۱۴ من ابواب کفارات الاستمتاع، حدیث ۱.

۲۹ - وسایل الشیعه، باب ۱۵، من ابواب کفارات الإستمتاع، حدیث ۱.

۳۰ - جواهر الکلام، ج ۱۸، ص ۳۰۷.

«رفت» می‌باشند، هر چند که انزال صورت نگیرد...»<sup>۳۱</sup>.

نکته قابل توجه در «تروک و محرّمات احرام» این است که:

برخی از محرّمات تنها به دلیل احرام، حرام می‌گردند، و به مجرد این که محرم از احرام خارج گردید، آن کار محرم، حلال می‌گردد، اما برخی از محرّمات احرام برای محل نیز حرام است و به اصطلاح دارای حرمت سابقه و اولیه می‌باشند. مثلاً استمنایی که از راه ملاعبه با زن خود صورت گیرد جایز است، اما برای محرم به جهت احرام، حرام می‌گردد، اما اگر همین ملاعبه، با زن اجنبیه انجام پذیرد و استمنا تحقق یابد، حرام است، ولی در حال احرام این حرمت به مراتب و درجاتی شدیدتر می‌گردد. البته اگر تنها مقدمات استمنا را انجام دهد و انزالی صورت نگیرد، به مقتضای اصل، کفاره‌ای بر محرم تعلق نمی‌گیرد.<sup>۳۲</sup>

#### ۵- استعمال عطریات و گرفتن بینی از بوی بد:

به دلیل نصوص و فتاوی نسبتاً فراوانی که در این باره صادر گردیده است:

۱- عبدالله بن سنان از امام صادق - ع - نقل می‌کند که آن حضرت فرمود: «در حال احرام گلی را مس مکن (یعنی نبوی) و نه زعفران را، و غذایی هم که در آن زعفران وجود دارد، مخور».<sup>۳۳</sup>

۲- معاویه بن عمّار از جعفر بن محمد، امام صادق - ع - نقل می‌کند که آن حضرت فرمود: «... از بوی خوش در طعام خویش پرهیز و بینی خود را از بوی خوش بگیر و بینی خود را از بوی ناخوش بگیر؛ زیرا برای محرم سزاوار نیست که از بوی خوش لذت ببرد».<sup>۳۴</sup>

۳- اگر بیماری بر محرم عارض گردید که ضرورتاً می‌بایست مداوا کند، باید از دارو و روغنی استفاده کند که بوی خوش نداشته باشد، اما اگر ضرورت اقتضا کرد که از داروی

۳۱- همان.

۳۲- ... والأفالمقدمات من دون انزال لایترتب علیها کفارة الإستمناء، للأصل... (ر.ک به جواهر الکلام، ج ۱۸، ص ۳۰۸)

۳۳- فروع کافی، ج ۱، ص ۲۶۳؛ لاتمس ریحاناً و أنت محرم، و لاشیناً فیه زعفران، و لاتطعم طعاماً فیه زعفران.

۳۴- همان، ص ۲۶۲.



دارای بوی خوش بهره جوید، در این صورت مانعی ندارد.<sup>۳۵</sup>

۴- برخی مطابق بعضی از روایات عطرهاى مسک و عنبر و زعفران و عود و کافور و ورس را برای محرم حرام دانسته‌اند. و حتی برخی به ۴ عطر بسنده کرده‌اند: مسک، عنبر، زعفران و ورس. ولی از بررسی مجموعه روایات اینطور استنباط می‌گردد که بوییدن و استعمال تمامی عطرها بر محرم حرام است مگر «خلوق کعبه».<sup>۳۶</sup>

عبدالله بن سنان از امام صادق - ع - پرسید: «خلوق کعبه» (عطر مخصوصی که به کعبه مطهر مالیده می‌شود) به لباس محرم سرایت کرده است؟ حضرت فرمود: اشکالی ندارد.

محقق حلی فتوا می‌دهد: عموم عطریات و بوهای خوش بجز «خلوق کعبه»، ولو در غذا بر محرم حرام می‌باشد.<sup>۳۷</sup>

### ۶- پوشیدن لباس دوخته (برای مردها)

مطابق نقل محدث متبحر، شیخ حرّ عاملی - ره - برخی از فقها بر تحریم پوشیدن لباس دوخته برای محرم، ادعای اجماع کرده‌اند.<sup>۳۸</sup>

محقق حلی در باب «محرمات و مکروهات» احرام، می‌نویسد: «... و لبس المخیط للرجال»<sup>۳۹</sup>؛ یعنی پوشیدن لباس دوخته برای مردها در حال احرام حرام است. و علامه محقق شیخ محمدحسن نجفی، صاحب جواهر در ذیل عبارت فوق آورده است: من هیچگونه فتوای خلافی در این زمینه نیافتم و سپس از «التذکره» نقل می‌کند: «اجماع العلماء كافة علیه» و در «المنتهی» به نقل از «ابن عبدالبر» آمده است: «لایجوز

۳۵- وسایل الشیعه، ج ۹، باب ۱۹، من ابواب تروک الإحرام، ص ۹۷، حدیث ۱، ۲ و ۳.

۳۶- شرایع الاسلام، محقق حلی، ج ۱ و ۲، ص ۲۴۹، دارالاضواء، بیروت.

۳۷- والطیب: علی العموم ما خلا خلوق الکعبه، و لوفی الطعام... (رک به «شرایع الاسلام»، ج ۱ و ۲، ص ۲۴۹)

۳۸- وسایل الشیعه، ج ۹، باب ۳۵، من ابواب تروک الإحرام، ص ۱۱۵.

۳۹- شرایع الإسلام، ج ۱ و ۲، ص ۲۴۹.

لبس شیء من المخیط عند جمیع اهل العلم»<sup>۴۰</sup> هر چند در مورد حرمت پوشیدن لباس دوخته به قول صاحب وسایل: «والاحادیث غیر صریحة فیہ...»<sup>۴۱</sup>، روایات صراحتی در حرمت پوشیدن لباس دوخته ندارند و به گفته شهید در «الدورس»: «من تا هم اکنون به روایتی که دلالت بر حرمت پوشیدن «عین لباس دوخته» داشته باشد، برخورد نکرده‌ام.

در روایات تنها از پوشیدن «قمیص»، «قبا» و «سراویل»، نهی شده است.<sup>۴۲</sup>

صاحب جواهر هم می‌نویسد: «من در کتب اربعه و دیگر کتابهای روایی به حدیثی که دلالت بر حرمت پوشیدن لباس دوخته برای محرم، داشته باشد، وقوف نیافتیم»<sup>۴۳</sup>، آری همین «معاهد اجماعات» در قرار دادن «لبس مخیط» (لباس دوخته) در شمار محرمات احرام کافی است.<sup>۴۴</sup>

و لذا «شیخ الطائفه ابوجعفر طوسی» بطور صریح فتوا می‌دهد: هرگاه مُحرم احرام خویش را باگفتن «تلبیه» منعقد ساخت. پوشیدن لباس دوخته و جماع و صید و بوی خوش بر وی حرام می‌گردد.<sup>۴۵</sup>

اما شیخ مفید (۴۱۳ ه. ق) از حرمت پوشیدن لباس دوخته، ذکری به میان نیاورده است و در مقام فتوا تنها به عبارت زیر بسنده کرده است: «... و لایلبس قمیصاً»؛ «مردی که در حال احرام می‌باشد نباید قمیص (پیراهن) بپوشد...».<sup>۴۶</sup>

فقیه دقیق النظر معاصر، امام خمینی - ره - در باب «تروک احرام»، پوشیدن لباس دوخته را در شمار تروک و محرمات احرام برآورده و مصادیق آن را پوشیدن «قمیص»،

۴۰ - جواهرالکلام، ج ۱۸، کتاب الحج، ص ۳۳۵، مرتضی آخوندی - تهران.

۴۱ - وسایل الشیعه، ج ۹، ذیل باب ۳۵، ص ۱۱۵، المكتبة الاسلامیه - تهران.

۴۲ - ... لم افق الی الآن علی روایة بتحریم عین المخیط، انما نهی عن القمیص و القبا و السراویل (به نقل از جواهرالکلام، ج ۱۸، ص ۳۳۵).

۴۳ - ... وان لم اجده فی شیء مما وصل الینا من النصوص الموجودة فی الکتب الأربعة و غیرها... (ر.ک به جواهرالکلام، ج ۱۸، ص ۳۳۵)

۴۴ - ... نعم ما سمعته من معاهد الإجماعات کاف فی جعل العنوان لبس المخیط... (همان مدرک).

۴۵ - النهایة فی مجرد الفقه و الفتاوی، لشیخ الطائفه ابی جعفر محمد بن الحسن الطوسی (۳۸۵ - ۴۶۰ ه. ق) انتشارات قدس محمدی - قم: إذا عقد المُحرم احرامه بالتلبیه... حرّم علیه لبس الثیاب المخیط و النساء و الطیب و الصید...

۴۶ - المقنعه، تألیف فخرالشیعه ابی عبدالله محمد بن محمد بن النعمان العکبری البغدادی، المقلب بالشیخ المفید، مؤسسة النشر الاسلامی التابعة بجماعة المدرسین بقم المشرفه، کتاب المناسک، باب صفة الاحرام، ص ۳۹۷.

«سراویل»، و «قبا» ذکر کرده‌اند!<sup>۴۷</sup>

به نظر نگارنده عنوان کلی «لبس المخیط» در کلمات فقها و قرار گرفتن آن در معاهد اجماعات ایشان - رضوان الله علیهم اجمعین - از همین مصادیقی اخذ شده<sup>۴۸</sup> که در احادیث هم آمده است<sup>۴۹</sup> سیدنا الأستاذ، فقیه متبحر معاصر آیه الله سید محمد محقق داماد - ره -، پس از بحث جامع الاطراف و محققانه خویش پیرامون «خُلُو النصوص عن عنوان المخیط»، این چنین اظهار رأی می‌کنند:

«... هر چند در روایات این باب، عین و اثری از عنوان «لباس دوخته»، نه بطور صریح و نه به نحو ظاهر، مشاهده نمی‌گردد، لیکن روایات خالی از ارشاد به لباسهایی که از لوازم عنوان «مخیط = دوخته» می‌باشند، نیست، آن طور که فقیه متتبع می‌تواند حدس بزند که عنوان «مخیط و غیر مخیط» دائر مدار جواز و منع می‌باشد...».<sup>۵۰</sup>

البته از عنوان «لباس دوخته»، همیانی که حجاج جهت پول و یا سایر لوازم به شانه خویش آویزان می‌کنند، استثنا شده است<sup>۵۱</sup> و این بنا به رأی برخی از اعظم بدین جهت است که اساساً عنوان مزبور بر همیان که کار خیاطی در آن اندک است، تطبیق نمی‌کند!<sup>۵۲</sup>

۴۷ - لبس المخیط للرجال کالقمیص و السراویل و القباء و اشباهها... (تحریر الوسیله، ج ۱، کتاب الحج، القول فی تروک الاحرام، ص ۴۲۱، مطبعة الآداب فی النجف الاشرف)

۴۸ - یادآوری این نکته شاید رأی ما را در این مورد تأیید کند که: «سراویل» از نظر لغت جمع «سروال، سروال و سرویل» می‌باشد لباسی که: یستر نصف الأسفل من الجسم، که همان شلوار یا زیرشلواری می‌باشد بدیهی است که شلوار و یا زیر شلواری و یا مصادیق دیگری از پوشش که در روایات آمده است، دوخته هستند؟! و یا قمیص که به معنای پیراهن است که غیر دوخته آن، اساساً پیراهن نیست! (والله اعلم) (دربارۀ واژه «سراویل»، ر.ک ب «المنجد فی اللغة و الاعلام، چاپ ۲۳، ص ۳۳۲).

۴۹ - مثلاً حدیث ذیل که از طرق عامه نقل شده است، قابل دقت و بررسی است: إن رجلاً سأل رسول الله - ص - ما یلبس المحرم من الثیاب؟ فقال رسول الله - ص - : لا یلبس القمیص و لا المعاتم و لا السراویلات و لا البرانس و لا الخفاف... (سنن البیهقی، ج ۵، ص ۴۹).

۵۰ - کتاب الحج، تقریرات آیه الله العظمی حاج سید محمد محقق داماد - قدس سره - تألیف: عبدالله جوادی طبری، ج ۲، ص ۳۸۴.

۵۱ - ... نعم یستثنی من المخیط شد الهمیان المخیط... (ر.ک به تحریر الوسیله امام خمینی - ره -، ج ۱، ص ۴۲۱).

۵۲ - ... ای خیاطتها قلیلة بنحو لا ینطبق لبس المخیط علی لبسها. (ر.ک به کتاب الحج، تقریرات آیه الله محقق داماد، ج ۲، ص ۳۸۷).

